

تمدن تیموریان*

پیشگفتار

فرمانروائی جانشینان تیمور در ایران و آسیای مرکزی تباین و اختلاف عجیبی را نشان میدهد. در حالی که انحطاط اجتماعی و سیاسی که شاهرخ بهبوده جلو آنرا میگرفت و پس از مرگش سرعت و بحالت جبران ناپذیر پیش میرفت رنسانس معنوی که تیمور بتقویت آن همت گماشته بود تا پایان حکومت این سلسله صورت مشعشی بخود گرفت. هرگز ادبا و دانشمندان و هنرمندان آنقدر ازدیاد پیدانکرده بودند و در هیچ زمانی دولت آن اندازه توجه بدانها نشان نداده بود.

مادر جلد هشتم تاریخ عالم که تحت نظر مسیو Eugène Cavaignac استاد دانشگاه استراسبورگ منتشر میشود عواملی را که سقوط امپراطوری تیموری را بدنبال داشت متذکر خواهیم شد. صفحات بعد یک نظر اجمالی از زندگی اجتماعی و معنوی این امپراطوری است. برای شمارش و انتقاد منابع ما با اثر سابق الذکر مراجعه میکنیم معذالک در بین مؤلفین شرق میرخواند، خواندمیر، بابر، میرعلی شیر و توزک تیموری را نیز متذکر میشویم و از میان اروپائیان سیاحان قدیم کلاویجو، W. Heyd، Vambéry Belin و از معاصرین آقایان بروون و بلوشه را نام میبریم.

قوانین و زندگی اجتماعی قانون اسلام و قانون مغول

با اینکه مغولها اسلام و قوانین آنرا پذیرفته بودند باز قوانین مخصوص خود را که در دفعات متعدد تدوین شده بود حفظ میکردند. چنگیزخان در همان روز جلوس خود یاسا (یا یاساک) را رسماً اعلام کرده بود. یاسا مجموعه قوانینی بود که دریکجا شامل قانون اساسی، قوانین مدنی و جزائی، قانون نظامی، نظامات اداره امور ملی و دستورات پلیس میشد و اصول زیر را عرضه میداشت^۱.

۱- همه مردم در صورت اعتراف بیگانگی خدا از آزادی عقیده برخوردار می شوند.

۲- فرمانروا بایستی از اولاد ذکور نسل چنگیزخان باشد و شاهزادگان نیز وی را بشناسند.

۳- هرگز نباید قبل از غلبه بدشمن با او صلح کرد.

۴- لشکر بدستجات ۱۰ و ۱۰۰ و ۱۰۰۰ نفری تقسیم میشود. افسران سلاح را بسر بازان تحویل میدهند و ایشان بلافاصله پس از اتمام جنگ آنها را بقورخانه مسترد و فقط در زمستان زمان شکار میتوانند دوباره بگیرند.

۵- بمنظور تضمین معاش بزرگان و سپاهیان شکار از مارس تا اکتبر قندغن است.

۶- خون و امعاء و احشاء خوردنی است.

۷- تمام افراد غیر جنگجو مجاناً بکارهای عام المنفعه یاری میکنند و باضافه یکروز در هفته وقف خدمت فرمانروا میکنند.

۸- مجازات دزدی مرگ یا از هفت تا هفتصد ضربه چوب است. مجازات اخیر

را بامبلغی که بالغ به نه برابر ارزش جنس دزدی شده باشد میتوان خرید.

۱- رك. تیمور، انستیتوت، (تعلیمات) ترجمه لانگلس، صفحه ۳۹۹-۳۹۶.

- ۹- هیچ مغول یا تاتاری نمیتواند از هموطنان خود بعنوان مستخدم استفاده کند. کسیکه برده دیگری را بدون اجازه مالکش در خانه خود نگاهدارد و یا یک برده فراری را بارباش مسترد ندارد بامرگ مجازات خواهد شد .
- ۱۰- شوهر زنش را خریداری میکند بشرط اینکه وی از خویشاوندان درجه اول و دوم او نباشد . همچنین وی میتواند زنان زیادی را بعقد ازدواج خود درآرد و یا کنیزان متعددی را که بتواند از آنها نگاهداری کند داشته باشد .
- ۱۱- زنا بامرگ مجازات میشود. کسیکه زناکاران را در حال ارتکاب جرم غافلگیر کند حق کشتن آنها را دارد. معذالك ساکنین ایالت کیودون مثل سابق حق دارند زنان خود را بهمهمانان خودشان تسلیم کنند .
- ۱۲- والدین با اجرای قوانین شرعی میتوانند اولاد مرده خود را تزویج کنند و این تزویج قابل اعتبار است .
- ۱۳- جاسوسان، شاهدان زور، لواطان و ساحران بامرگ مجازات میشوند.
- ۱۴- همین مجازات درباره کسانی که حکم ناحق بنقض خود صادر کنند نیز اجرا میشود. معذالك اگر جرم خفیف باشد وی خود را بحضور خان معرفی میکند و خان تصمیم میگیرد .
- ۱۵- ترخانها امتیاز قدرت خود را که میتوانند يك گناهی را تانه بار بدون

۱- لقب ترخان باشخاصی تعلق میگرفت که از هر وظیفه و مأموریتی معاف بودند و از غنیمی که بدست میآوردند هیچ عسری پرداخت نمیکردند و هر موقع میخواستند بنزد پادشاه میرفتند و هنگام ارتکاب گناه هیچ نوع بازجویی از آنان بعمل نیامد و این کلمه نام يك قبیله جغتای بود .

رك : Pavet de Courteille. Dictionnaire Turk Oriental. صفحه ۲۱۳. نظریه خویشاوندی بین زبانهای ایغور و فلاند این اصطلاح را از اسم تورکن میداند .
رك : به مقالات U. H. Beveridge در Journal of the Royal Asiatic Society تحت عنوان Tarquinius, (1917) The Mongol title Tarkhan and Tarkhan and (1918) و فهرست عمومی یادداشتهای بابر، ترجمه Beveridge ، جلد ۲، صفحه ۵۸۲ (یادداشت) .

کیفر دیدن مرتکب شوند حفظ میکنند .

۱۶- چون مغولها خیلی خرافاتی بودند هنگام غرش رعد خود را برودخانه‌ها و دریاچه‌ها می انداختند و بدینوسیله بخود می قبولانند که تلاطم آب صاعقه را بوجود می‌آورد. چنگیز بآنها قدغن کرد هنگامیکه صدای رعد را می‌شنوند از شستن خود و همچنین از استحمام خودداری کنند .

در قرون بعد تیمور قوانین مغول را جمع و تکمیل کرده به مجموعه آنها عنوان *توزوکات* داد. لانگلس که این مجموعه را ترجمه کرده این اصطلاح را با کلمه «انستیتوت» ترجمه کرده است. *توزوکات* مرکب است از یک کلمه مغولی با اضافه یک پسوند جمع عربی. تمام دوره تسلط تیموریان این قوانین با استحکام باقی ماندند. هنگامیکه امرای پیر محمد برعایه شاهرخ قیام کرده بودند لغو آنها را خواستار شدند و همچنین از خلفای فاطمی مصر میخواستند که قوانینی بجای آنها تعیین کنند ولی همه این اقدامات بیهوده شد .

تشکیلات اجدد ماهی

تیمور اطرافیان خود را به دوازده طبقه تقسیم کرده بود:

- ۱- سادات یا اولاد پیغمبر، دانشمندان، شیوخ و علما یا مجتهدین همه دوستان نزدیک و مشاورین او بودند .
- ۲- مشاورین دیگر از مردان دیگری که بواسطه هوش و همت و قدرت و فکر خود مشخص بودند انتخاب میشدند و همچنین از میان مردان کهنسالی که بعلت تجارب خود اشتهار داشتند برگزیده میشدند .
- ۳- زاهدان جزو انتخاب شدگان طبقه اول بودند. تیمور بدعاهای آنان متوسل میشد و میگفت که دعای آنان اثرات اعجاب انگیزی داشته است .

- ۴- فرمانروا با امر او و رؤسای نظامی مشورت میکرد و آنان را با درجه‌های لیاقت پاداش میداد.
- ۵- لشکر که همیشه در حال آماده بچنگ بود با انضباط سخت اداره میشد و در مقابل عدالت درباره آنان مجری بود و مواجب بطور مرتب و گاهی قبلا پرداخت میشد و بهر عمل خوبی پاداش داده میشد.
- ۶- مردان محرم اسرار امیر بمنزل بهترین مشاورین او بودند.
- ۷- وزرا و مستوفیان «آئینه‌های امپراطوری» لقب گرفته بودند. این کلمات کاملا آنچه را که تیمور از آنان متوقع بود توجیه میکند. آنها مجبور بودند که ویرا از تمام جریانات مطلع ساخته و بهر چیز توجه داشته باشند. همچنین سعادت ملت را تضمین کرده کشاورزی را ترویج دهند.
- ۸- اطبا و منجمین و مهندسين بجهت لياقت و استعدادشان بايستی مورد استفاده کارهای عام‌المنفعه قرار گیرند.
- ۹- برای اینکه فرمانروا بهتر بتواند خواسته‌های عصر را ارضا کند از مورخین و وقایع نگاران درباره گذشته کسب اطلاع میکرد.
- ۱۰- تنها مسأله اشتغال زاهدان و اشخاص مذهبی و متکلمین زندگی آینده و احکام خداوندی بود. قدرتهای معجزه آسا با آنان نسبت داده میشد. تعلیمات آنان برای فرمانروا فوائد زیادی در بر داشت.
- ۱۱- برای اینکه کارگران ماهر مشغول شوند در قصر [سلطنتی] و در قورخانه‌ها و در قسمت‌های نظامی موقعیت‌های خوبی برای آنان فراهم میکردند. آنها در این مکانها بتعمیر اسلحه‌ها اشتغال میورزیدند.
- ۱۲- فرمانروا از مسافرین تمام ایالات و کشورها که مایل بداشتن اطلاعات درباره ممالک بیگانه بودند استقبال شایانی میکرد و بازرگانان و کاروانیان را مأمور

میکرد که از اشیاء کمیاب اروپا و آسیا و آفریقا برایش بیاورند و همچنین از اوضاع این ممالک بخصوص از طرز حکومت آنها ویرا مطلع سازند و انگلی تیمور و جانشینانش پیوسته از بیگانگان پذیرائی کرده با کمال میل آنها را بخدمت خود بر میگزیدند و جوانمردانه پاداش آنها را میدادند: بدین نحو Schiltberger از مأمورین شاهرخ گردید. پیر محمد تصمیم گرفته بود که مخارج مسافری که وارد قلمرو او میشدند و نیز در حال خروج از خزانه سلطنتی پرداخت گردد.

چهل طایفه مغول در اوائل قرن پانزده وجود داشت که از بین آنها دوازده تا يك قبیله نخبه تشکیل میدادند. تیمور بآنان طمغاها یا اعلامات مشخصه داده و بر رؤسای آنان درجات نظامی اعطا کرده بود. این طوائف عبارت بودند از:

برلاس، ترخان، ارغون، جلایر، تولکاجی، دولدی، مغول، سلدوز، تغا و قیچاق، ارلات و تاتار، رؤسای بیست و هشت قبیله که از درجات نظامی محروم نبودند ایماق^۱ نامیده میشدند.

پس از اطرافیان فرمانروا ما بذکر سایر طبقات میپردازیم. میرعلی شیر در نیمه دوم قرن پانزدهم فهرست آنها را قید کرده عبارتند از:

۱- فرمانروا، سلطان.

۲- بگها (در زبان عثمانی بی) یا امرا: مدتی بعد امیر عربی جانشین این اصطلاح گردید. در ضمن متذکر میشویم شارل چهارم «امیر بزرگ» امیر کبیر خوانده شد و عنوان بی بوسیله عثمانیها پادشاهان فرانسه و سایر فرمانروایان بیگانه و سفرا داده شد.^۲

۱- op. cit. صفحه ۱۰۰-۹۷.

۲- ريك: Les moralistes, Belin در مجله آسیائی، ۱۸۶۶، جلد ۷، صفحه ۵۳۱-۵۳۰.

- ۳- نایب‌ها «جان‌نشینان» .
- ۴- وزراء .
- ۵- صدور (جمع صدر عربی) یا قضاات عالی‌رتبه .
- ۶- یساولان (مترادف چاوش که اعراب الجزیره آنرا شاوش کرده‌اند) .
- ۷- گاردملی، یساغلیق (یا قراچریک یا قراقوئوق) .
- ۸- قضاات .
- ۹- مفتی‌ها یا مفسرین بزرگ قوانین مذهبی .
- ۱۰- معلمین تعلیمات عالیه یا مدرسان .
- ۱۱- اطباء .
- ۱۲- شعراء .
- ۱۳- نساخ .
- ۱۴- صاحبان مکاتب .
- ۱۵- امام‌ها یا سرپرستان مساجد .
- ۱۶- قاریان قرآن یا مکریان .
- ۱۷- حفاظ قرآن .
- ۱۸- قصه‌گویان .
- ۱۹- وعاظ .
- ۲۰- رقاصان و آوازخوانان .
- ۲۱- منجمین .
- ۲۲- کسبه بازار .
- ۲۳- خرده‌فروشان و پیشه‌وران .
- ۲۴- شهنه‌ها یا فرماندهان نیروی ملی .

- ۲۵- داروغه‌ها، بازرس یا رؤسای پلیس .
- ۲۶- گارد شب یا عسس .
- ۲۷- دزدان وقتان .
- ۲۸- غریب زادگان . این عبارت توجیه کننده معرکه گیران و کولی‌ها و دوره گردان بود .
- ۲۹- گدایان .
- ۳۰- قوشچی‌ها و شکارچیان .
- ۳۱- نوکران .
- ۳۲- شیخ‌ها .
- ۳۳- دراویش .
- ۳۴- اشخاص متأهل، مردان یا کدخداها و زنان یا کدبانو .

رول اجتماعی و سیاسی زنان

در زمان تیموزملکه‌ها در تمام جشنها و مراسم پذیرائی دربار شرکت می‌کردند و در زمان جانشینانش اغلب نفوذی عظیم در سیاست داشتند^۱.

فرمانروائی خلیل شاهد این مدعاست. زنان امیر انقلاب را بر علیه او متشکل

کردند و علاقه وی بشادالملوک باعث شد که تاج و تخت از دست او بدر رود .

بعد از مرگ شاهرخ، گوهرشاد عبداللطیف را تشویق کرد که قدرت را بدست

گیرد و ابوسعید که از این زن می‌ترسید ویرا بقتل رساند . حسین بایقرا در ۸۵۸

۱- کلاویجو، فصل ۶-۷. «بنا بر سومی که مغولها آنها قبول کرده بودند از بین زنان

متعدد فرمانرا پیوسته یکی از آنان در ردیف اول قرار داشت و اگر می‌توانست کار بدی هم در حق زنان دیگر بکند فرمانرا هیچ حرفی باو نمیگفت .

رک : ابوالغازی Histoire des Mongols . چاپ Desmaisons صفحه ۱۵۶

متن در ترجمه ۱۶۵۰ .

(۱۴۵۴) در سمرقند زندانی شد آزادی خود را مدیون مادرش فیروزه بیگم میدید که با عجله از هرات برای وساطت بنفع او آمده بود. در نبرد چیقمان حسین بایقرا زنان خود را همراه داشت وی یکی از آنان را بنام شهر بانو خانم که برای دنبال او رفتن با اسب، از فرود آمدن از تخت روان خود امتناع کرده بود طلاق داد. خدیجه بیگم یکی دیگر از زنانش که مفتن و جاه طلب بود ادعا داشت که میتواند همه کارها را رهبری کند. وی باعث طغیان شاهزادگان بود و سبب شد که یکی از آنان بنام محمد مؤمن میرزا بقتل رسد.

بابر در خاطرات خود مینویسد در هرات از طرف خدیجه آغا بیوه ابوسعید که در وقایع سیاسی سهمی بزرگ داشت پذیرائی شد. چند سال قبل چون زهره بیگم آغا بیوه سلطان محمد و مادر سلطان علی میخواست باشیانی ازدواج کند پسرش را مصمم گرداند که سمرقند را بوی تسلیم کند ولی شیانی بدترین حق ناشناسی را بجای آورد.

در دربار فرمانروایان ترکمانان آق قویونلو نیز زنان نفوذ کمی نداشتند. سرای خاتون مادر او زون حسن بتسکین رقابت پسرانش اهتمام میورزید. بنظر میرسد که وی بعنوان سفیر به پیش امپراطور طرابوزان فرستاده شده بود. میدانیم که او زون حسن یک زن یونانی را بعقد ازدواج خود در آورده بود.

در بین آل جلایر ملکه تند و یادوند و سلطان رامی بینیم که پس از مرگ سلطان احمد حکومت را بدست میگیرد. این زن فعال و جاه طلب چندین سال در خوزستان حکومت کرد.

حکومت

بنابص قانون مغول فرمانروا یعنی خاقان یا سلطان و هه چنین کلفه یا جانشین احتمالی وی بایستی بوسیله شاهزادگان انتخاب شود. مدتهای متمادی این جانشینان

لقب میرزا داشتند. این کلمه که بعد از اسم می‌آید معرف اعضای خانواده سلطنتی بود. با وجود این سکه‌هائی بتاریخ ۸۳۰ (۱۴۲۶) از شاهرخ هست که عنوان سلطان اعظم دارد^۱.

بابر فاتح هند اولین کسی است که خود را پادشاه خواند. این کلمه ایرانی که معادل خاقان ترک است بجای امپراطور بکار میرفت و بفرمانروایان ترکستان و چین اطلاق میشد. تیمور در عین حال سلطان وهم خاقان خوانده میشد.

در کشورهای اسلامی در تمام اعصار در ضرب سکه‌ها و خطبه [نماز] جمعه ذکر نام فرمانروا را محفوظ میداشتند و آنها صفات ممیزه وی محسوب می‌شد معذالک سلطان حسین بایقرا که قدرتش محدود بود از حقوق خود چشم‌پوشی کرده بوزیرش بهبود اجازه داد که اسم خود را روی مهرها و سکه‌ها ضرب کند. میرزا یادگار که قدرتش کمتر از سلطان حسین بود نیز بهمین شیوه رفتار کرد.

امکان داشت یرلیغ که موشح بدستخط سلطان بود و بامر کب سرخرنگ بر روی کاغذ نگارش مییافت یا تمغا که بعنوان علامت سلطنتی بر حسب اهمیت موضوع باجوهر زرین، سرخ یا سیاه زده میشد، و بجای یرلیغ در صدر تمام فرامین قرار داشت جای مهر رسمی را بگیرد.

وزرا برای اینکه شور کنند میبایست حداقل چهار نفر باشند. رئیس آنان دیوان بگ نامیده میشد و وزرای آندوره باین ترتیب مشخص بودند: وزیر ولایات و وزیر عامه با مأموریت مسائل سیاسی^۲، اقتصادی، مالی و انتظامی. وزیر سپاه که تمام مشاغل نظامی در صلاحیت وی بود. وزیر ابناء السبیل و اموال بیصاحب که در موارد عدم وارث بوسیله او تعیین میشد و وزیر دربارشاهی و بالاخره سه وزیر سرحدات و ثغور و وزیر داخله^۳.

Rok : Sédillot, sur le sceau de Schah-Roch, apud Matériaux
1,266-264

۲- ۹۳-۹۶ op. cit.

۳- شیروخورشید Armes [علامت رسمی] کنونی ایران توسط تیمور نیز بکار برده میشد. این علامات با سه دایره معرف سه قسمت از دنیا که فرمانروای مغول با آنها حکومت میکرد تصور سمرقند رازبنت میداد.

يك عرض بیگك «صاحب دیوان عرض» که مأموریت داشت درباره تمام مسائل مهم شورا تشکیل دهد. رئیس هیئت روحانیون و دو قاضی اعظم (عرفی و شرعی) و يك دبیر ویژه و چندین دبیر دیگر برای جلسات عمومی و يك مأمور حسابدار تمام سرویسها در تشکیل شورا شرکت می‌جستند و اعیان دولت از نظم و ترتیبی کاملاً محدود برای حضور پیروی کرده در شوراها حاضر می‌شدند.

در هر جلسه بین اشخاصی که بهر عنوان در آنجا حاضر میشدند نان و خوراك توزیع میشد و بهمین نحو بملت نیز غذا میدادند. يك میرتوزوك بتشریفات نظارت می‌کرد.

اداره ولایات^۱

تیدور درباره ملل مفتوحه سیاست مسالمت آمیزی داشت. وی حکام را در کار خود باقی میگذاشت و ایالاتی را که میخواستند روش مالیاتی خود را محفوظ دارند مجاز میداشت و بیازرگانان ورشکست مساعدت کرده بکشاورزان افزار و آلات لازم را میداد و نظامیان را در لشکر خود وارد کرده بنسبت لیاقت آنان درجه میداد و هنرمندان را بدربار خود میخواند و برای کارگران کار تهیه کرده بیازی فقرا میشتافت و بهر همکاری مفید از لحاظ مادی و معنوی پاداش میداد ولی در مقابل خائنان سختگیری بخرج میداد.

امپراطوری بدو نوع ایالت تقسیم میشد: قسمتهای مهمتر ولایت و دیگریها تومان خوانده میشد. نحوه اداره آنها نوع کوچکی از اداره حکومت مرکزی بود. سه وزیر حاکم را یاری میکرد:

۱- Ibidem. رك: هم‌چنین صفحه ۹۰، ۹۳ و ۱۱۲-۱۰۰. برای تفصیل درباره آداب مغول به فهرست عمومی ترجمه Mme Beveridge از یادداشتهای بابر مراجعه کنید (جلد ۲، ۸۵۶-۸۵۵).

۲- تیمور، انستیتوت، ترجمه لانگلس ۱۲۸-۱۲۰.

- ۱- وزیر عامه که برای امور مالی تعیین می‌شد.
 - ۲- وزیر سپاه که حاکم مستمریهای سربازان را بدو میداد.
 - ۳- وزیر املاک بیصاحب و بیوارث، ایالاتی که عایدات آنها تحت الزامات سنگینی بود دو ناظر داشت: یکی لشکری و یکی کشوری.
- سازمان اطلاعات [دیوان برید] خیلی وسیع بود و در هر محل عاملینی بودند که مأموریت داشتند با حکومت مرکزی در ارتباط بوده این دستگاه را از تمام جریانات مطلع سازند.

بریدان (نامدرسانان) ۳۰۰۰ نفر بودند که ۱۰۰۰ نفر آنها پیاده و ۱۰۰۰ نفر اسب‌سوار و عده زیاد دیگر سوار بودند. هر غفلی در مأموریت و گزارش هر چیز غلط مستوجب شدیدترین مجازات بود.

بالاخره تیمور تصمیم گرفته بود که هر شهر لااقل یک مسجد و یک مدرسه و یک خانقاه و یک درمانگاه و یک بیمارستان و یک شهرداری و یک دادگاه و مأمورین پلیس «قرچی» داشته باشد. دردهات قرچی به محافظین کشتزارها اطلاق می‌شد.

اصول مالیه و امور مالی^۱

طرز وصول مالیاتها یکسان نبود. تیمور موافقت کرده بود که ولایات مفتوحه سیستم مالیاتی خود را محفوظ دارند اصولاً مالیات فردی وجود نداشت و مالیاتی که بر حسب طرز آبیاری اراضی یک سوم یا یک چهارم محصولات کشاورزی تعلق می‌گرفت پس از حصاد دریافت میشد و آنرا نیز از جنس یا پول نقد پرداخت می‌کردند. مأمورین وصول مالیات فقط در محلهائی که لازم بودند وجود داشتند و هر نوع خشونت و استبداد شدیداً برای آنان قدغن بود.

این احکامی که از طرف تیمور صادر شده بود همیشه جانشینانش آنرا اجرا نکردند و احجافات غیر قابل تحمل پیرمحمد را مجبور کرد که اصلاحات سیاسی در این باره بنماید. این فرمانروا در طبقه عمال دیوانی از وزیر تا مأمور وصول

۱- این کلمه در آذربایجان «قروخچی» تلفظ و مفهوم میشود محافظ و نگهبان از آن اراده میشود و با کلمه «قرچی» که یک اصطلاح نظامی است اشتباه نشود. مترجم.

مالیات تغییرات جدی و کلی داد. ابوسعید و عمر شیخ سیاست مالی درجه اول داشتند ولی سیاست مالی سلطان محمد نتیجه بدی داد و منجر بخرابی تجارت گردید. مجدالدین محمد روش مالی حسین بایقرا را که در وضع بدی بود نگاهداشته بود. وزیر اصلاح طلب او قربانی تحریکات شده مورد بی‌مهری قرار گرفت.

مستمریهای مختلف و عایدی موقوفات ملی و اماکن مقدسه بامالیاتها یکجا وصول میشد و امر او مین باشیها «امیر هزارهها» این عوائد را بین خود تقسیم میکردند. اگر عایدات بخش تعیین شده مخارج سر بازان فرماندهی را کفایت نمیکرد خزانه سلطنتی آن را تکمیل مینمود و در حال اضافه ماندن شخص مذکور آنرا بین خود و فرماندهی دیگر تقسیم میکرد.

کارهای عام المنفعه

اکثر فرمانروایان تیموری بخصوص شاهرخ، الغ بیگ، سلطان احمد و حسین بایقرا عمارت را دوست داشتند. قصرها و مساجد و مدارس و حمامها و کاروانسراها... که ایشان ساخته اند زیاد است. میدانیم که اشخاص بزرگ دیگری نظیر میرعلیش نیز همین روش را تعقیب کردند. مسأله قنوات و همچنین مواظبت از مقبره های اشخاص مقدس بعهده دولت بود. کارهای مربوط بتسهیل ارتباطات از مسائلی بشمار میرفت که بدقت مخصوص مورد توجه قرار گرفته بود. تیمور پلهای جدیدی احداث و پلهای سابق را نیز تعمیر کرده بود و در جاده های بزرگ بفواصل خیلی کم کاروانسراهائی ساخته بود که مخارج محافظین آنها بعهده دولت بود. شاهرخ خود مخارج کارهای عام المنفعه را پرداخت میکرد و ۷۰۰۰ کارگر جهت این امر استخدام کرده بود.

امور خیریه

یکی از اشتغالات تیمور از بین بردن گدائی بود و مؤسساتی را که جهت کدک

بفقرای بکار میرفت تکثیر کرده بود. و قتیکه ایالت جدیدی تسخیر میشد تمام گدایان آنرا جمع آوری میکردند و آنان هرروز خوراک خود را دریافت کرده مجبور بودند نشانهای مخصوصی باخود داشته باشند و اگر چنانچه بتکدی ادامه میدادند نفی بلد یافروخته میشدند.

چنانکه دیدیم در هر شهری یک درما نگاه و یک بیمارستان وجود داشت و یک پزشک در بیمارستان سکونت داشت.

داد گستری

جنایات و جرمها بر حسب نوعشان یا بمحاکم شرعی که قضات و رؤسایشان (صدور) مجری آن بودند واگذار میشد یا بمحاکم عرفی که یاسا یا قوانین چنگیز خان را اجرا میکرد. ما قوانین چنگیز را قبلا شرح داده ایم. هنگام مرافعه بین یک فرد لشکری و کشوری تصمیم رئیس داد گستری اجرا میشد.

تیمور پیشرو قانون مهلت بود و اولین گناه را بارغبت میبخشید ولی در حال ارتکاب مکرر بیرحمانه رفتار میکرد. وی درباره پسرانش که قیام کرده بودند همین گذشت را کرد. آنان فقط بزندان افکنده شده مقام و منصب خود را از دست دادند. کارمندان عالیرتبه مجرم از کار برکنار میشدند و یا از درجات خود تنزل میکردند. اختلاس در مال دولت که گناه خیلی بزرگی محسوب نمیشد وزرای بی انضباط را در معرض مجازاتهای پولی قرار میداد. اگر پول اختلاس شده از حقوق آنان تجاوز میکرد وجه مذکور را بایشان میبخشیدند و اگر بدو برابر حقوقشان میرسید موجب آنها قطع و اگر سه برابر بود دارائی آنان ضبط میشد. اختلاس و هر کاری که بر علیه منافع عمومی بود جرائم شدیدی در برداشت. سر بازی که با اعمال خشونت آمیز رفتار میکرد مجازات بمثل میشد. مال بزور گرفته شده میبایست مسترد گردد. جریمه با اثبات شدن مجرمیت بوسیله چهار شاهد قابل اجرا بوده و در عین حال

جریمه بصورت تنبیه بدنی عملی میشد .

حسین بایقرا بدون در نظر گرفتن اشخاص قانوناً بشدت اجرا میکرد. چون یکی از پسرانش مرتکب قتل شد ویرا بدادگاه فرستاد .

انتظامات

درهرشهر و درشهرهای مهم هر محله‌ای رئیس انتظامات «کو توال» وجود داشت . در شهرها و در دهات مأمورینی زیر فرمان این رؤسا بودند که قرچی خوانده میشدند . علاوه بر این شجنه‌ها یا فرماندهان قوای انتظامی و یساوان که نوعی از همین فرماندهان محسوب میشدند و ترتیب و تنظیم تشریفات با آنان بود و همچنین محن‌سین و فرماندهان دیگر قوای انتظامی که در عین حال بازرسان اسواق و اوزان و اندازه‌ها بودند و بالاخره داروغه‌ها که هم بازرس و هم رؤسای قوای انتظامی بودند نیز وجود داشتند این کارمندان علاوه بر قرچی‌ها اشخاص زیر را نیز تحت فرمان خود داشتند :

گارد ملی «یساغلق» که قراچریک یا قراقولوق نیز خوانده میشد و عسرها «گارد های شب» و قراسورانها که نوعی ژاندارم بودند مأموریت داشتند مسافرین و مال التجاره‌ها را همراهی کرده سلامت و امنیت آنها را تضمین کنند . بعبارت دیگر قوای انتظامی جاده‌ها محسوب میشدند. این تعلیمات آخری در ایران تا این زمان‌ها تحت همین نام باقی مانده است .

تجمل و تنبیش

پیرمحمد که جنگجوی قدیمی بود زندگی خود را با میگساری و تعیشت خاتمه داد. بایستقر در اثر افراط درسی و شش سالگی در گذشت. در زمان سلطان محمد فسق و فجور حالت لجام گسیخته‌ای پیدا کرد زنان شوهر دار در معرض تجاوز قرار گرفته و بچه‌ها بوسیله‌الواطر بوده میشدند. برادرش سلطان محمد مردی عیاش و بیرحم بود. عصر مشعشع حسین بایقرا از لحاظ اخلاقی وضع اسفناگیزی داشت. فرمانروا زنان متعددی را

که با آنها ازدواج نکرده بود در اختیار خود داشت. از پسران وی که فقط سه نفر از آنان بطور مشروع متولد شده بودند سر مشق فساد اخلاق بودند. اطرافیان آنان بطرز نفرت آوری برشوه خواری میپرداختند.

قاضی اعظم خواجه عبدالله روارید در اثر فسق و فجورهای خویشتن در گذشت. شیخ مزید بگ حاکم بابر اخلاقی غیر طبیعی داشت.

هرات در این عصر شهر تجمل پرستی و تشتت آرا بود. بابر که زمستان سال ۹۱۲ (۱۵۰۶) را در آنجا میگذراند مشاهده میکرد که پسران حسین بایقرا در عین حالیکه باشیبانی به نبرد مشغول بودند زندگی خود را در جشنها و مجالس عیش و نوش میگذرانند. موسیقی و آواز ورقص آنها را چنان بخود مشغول کرده بود که منافع و تکالیف خود را فراموش کنند. بابر در هرات عادت میخواری را کسب کرد.

شخصیتهای بزرگ فاجر و مفرط بابدبیه و شکوه خود تظاهر میکردند. عبدالعلی ترخان حاکم بخارا در زمان سلطان احمد مردی شوم برای این سلسله و پرازغرور و شقاوت بود. وضع پسرش بکی که پس از قیامش بذلت کشته شد همینطور بود. در زمان حسین بایقرا امیر جهانگیر برلاس طه طراق عجیبی داشت.

یکی دیگر از امرای حسین بایقرا بنام محمد ولی بیگ که میتوان ویرا نمونه حقیقی این درباریان دانست پس از نیل بمقام عالی در قصر ارباب خود مسکن گزیده بود و هرگز آنجا را ترك نمیکرد و دستور میداد غذای خود و مراجعین و سگانش را آنجا بیارند.

بقیه دارد